فصلنامه حقوق اداری (علمی - پژوهشی)

سال ششم، شماره ۱۷، زمستان ۱۳۹۷

امکان‌سنجی تراکم‌زدایی از تهران با اجرایی نمودن انتقال یا تفکیک پایتخت (مطالعه تطبیقی برخی کشورها)

محمد زرشگی [۱]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۱۵
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۰۷

چکیده

کلانشهر تهران امروزه علاوه بر تمرکز سیاسی–اداری، با گونه‌های مختلف دیگری از تمرکز نیز مواجه است. در این زمینه می‌توان از تمرکز اقتصادی– مالی، اجتماعی– فرهنگی، بهداشتی– درمانی، علمی– آموزشی، جمعیتی، صنعتی و .... نام برد. این مهم را نباید از نظر دور داشت که ذات دولت محور قانون اساسی، ساختار حقوقی–سیاسی بسیط و رسوخ فرهنگ سیاسی تمرکزگرا، در شکل‌گیری گونه‌های مختلف تمرکز در تهران تاثیر بسزایی داشته‌اند. ناگفته پیداست که عدم رعایت برابری در مقابل قانون از جانب دولت‌ها از جمله (بند ۹ اصل سوم، بند ۱۴ اصل سوم، اصل ۱۹، اصل ۴۸ و...) در توسعه بیش از پیش گونه‌های مختلف تمرکز در تهران و عدم توسعه متوازن در میان استان‌های مختلف کشور تاثیری غیرقابل انکار داشته است. این مهم را نباید از نظر پنهان داشت که اگرچه مرکزیت سیاسی و اقتصادی تهران نقش بسیار مهمی در رشد بی رویه آن داشته است؛ اما در بسیاری از موارد، علت شکل‌گیری یک پدیده با تداوم و حیات آن متفاوت است. بر این اساس، اگرچه می‌توان علت رشد بی رویه تهران را ناشی از مرکزیت آن دانست؛ اما پیش‌بینی می شود تداوم این وضعیت با از میان رفتن مرکزیت از بین نخواهد رفت. در این پژوهش برآنیم تا انتقال یا تفکیک پایتخت را از منظر هزینه– فایده مورد واکاوی قرار داده و با مطالعه تطبیقی انتقال یا تفکیک پایتخت در برخی کشورها به تحلیل این مهم بپردازیم. هدف اصلی این تحقیق، تحلیل ساختار حقوقی– سیاسی کشور و امکان‌سنجی تراکم‌زدایی از تهران در پرتوی انتقال یا تفکیک پایتخت با توجه به درهم‌تنیدگی گونه‌های مختلف تمرکز در پایتخت می‌باشد.

کلید واژگان: تراکم‌زدایی از تهران، انتقال پایتخت، تفکیک پایتخت، اندازه دولت، تمرکز سیاسی– اداری.

---

۱. دکتری حقوق عمومی، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران،
. mohammad.zereshki@yahoo.com

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-13]

۱. جستارگشایی

در اینکه امروزه شهر تهران به عنوان مرکزیت سیاسی و اقتصادی کشور با مشکلات و معضلات گره خورده و متعددی مواجه شده است؛ هیچ شکی نیست اما اینکه آیا انتقال یا تفکیک پایتخت راهکاری موثر برای تراکم‌زداییاز تهران هست یا خیر؛ قویا قابل تامل است که در مباحث پیش‌رو مورد واکاوی قرار خواهد گرفت. بدیهی است که با توجه به شرایط اقتصادی ایران، همه نقاط کشور در دستیابی به امکانات رفاهی و موقعیت اقتصادی از رشد متناسبی برخوردار نیستند؛ از این‌رو، جاذبه‌های شهرهای بزرگ و شهری همچون تهران، جمعیت سرریز نقاط دیگر را به خود جذب می‌کند و افزایش جمعیت نیز به دنبال آن مشکلاتی را به وجود می‌آورد. به بیان دیگر، یکی از پیامدهای تمرکزگرایی و تجمع امکانات در تهران، عدم توسعه استان‌هاست. بر این اساس، منابعی که باید در مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها خرج شود در تهران هزینه می‌شود و آثار اجتماعی آن هم فقدان ایجاد اشتغال در استان‌هاست؛ بنابراین وابستگی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه ایران به تهران و وجود تمرکزگرایی شدید باعث شده تا تلاش‌های دولت مبنی بر تمرکززدایی همچنان بی‌اثر بماند (طهرانی، ۱۳۹۲: ۳).

از دیدگاه جمعیتی کشور، تهران دارای یک رشد استثنایی است و در صورتی که نرخ رشد فعلی ادامه یابد؛ در سال‌های آتی مشکلات عظیمی به بار خواهد آورد و نابسامانی‌های عمده‌ای را در سطح مملکت موجب خواهد گردید. در تعریف بین‌المللی کلانشهر (توسط سازمان ملل متحد)، کلانشهر یا مادرشهر به شهرهایی گفته می‌شود که بیش از ۸ میلیون نفر جمعیت داشته باشند. از دیدگاه این تعریف بین‌المللی، در ایران تنها شهر تهران به عنوان کلانشهر شناخته می‌شود (احمدی، رضایی و امینی، ۱۳۹۳: ۷۳). شهری که چند دهه پیش، بعد از انجام مطالعات دقیق علمی و کارشناسی مشخص شده بود؛ جمعیت آن نباید از حداکثر ۵/۵ میلیون نفر تجاوز کند؛ اما امروز هم به دلیل متمرکز بودن امور اجرایی و تصمیم‌گیری‌های حکومتی در آن و هم در نتیجه توسعه نامتوازنی که سیاست‌های تراکم‌فروشی شهرداری در دو دهه اخیر عامل اصلی آن بوده، جمعیت آن به حدود ۱۴

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-13]

میلیون نفر افزایش پیدا کرده و در محاصره انواع و اقسام منابع آلوده‌کننده هوا و محیط زیست قرار گرفته است (ساداتی مینایی و نعمتی کشتلی، ۱۳۹۳: ۲). همچنین سرانه فضایی تهران به شدت کاهش یافته و بالاترین تراکم جمعیتی را به خود اختصاص داده است؛ یعنی ۸۹۰ نفر در کیلومترمربع که در مقام مقایسه با تراکم نسبی سطح ملی یعنی ۴۶ نفر در کیلومتر مربع، بسیار زیاد می‌باشد؛ به‌عبارتی، تراکم نسبی تهران بیش از ۱۹ برابر میانگین کشوری است که بیانگر کاهش شدید سرانه فضایی برای سکونت و فعالیت در آن می‌باشد (حافظنیا، ۱۳۹۵: ۱۴۲). آمار و ارقامی که وجوب تراکم‌زدایی از تهران را بیش از پیش تصدیق می‌نماید.

برای دستیابی به تراکم‌زدایی مدرن حقوقی- اداری از تهران بایست از مرزهای حقوقی فراتر رفت و دست نیاز به سوی رشته‌های مدیریتی نیز دراز کنیم. شایان توجه است که دنیای امروز، در فهم و رفتار، اساسا یک دنیای «میان‌رشته‌ای» است. اگر توانمندی و کارامدی قانون و نظام حقوقی را در تمشیت روابط و پدیدارهای زندگی جمعی می‌خواهیم؛ ناگزیر به کسب دانش در همه رشته‌هایی هستیم که در پی کنار زدن پرده‌های جهل و کج‌فهمی از حقایق قابل شناخت در زندگی جمعی هستند. در حقیقت، سر«نامعرفتی» یا «فنی» شدن حقوق در ایران معاصر، همانا کم‌توجهی به «میان‌حقوقی» و «میان‌رشته‌ای» بودن مباحث حقوق است[۱](راسخ، ۱۳۹۳، ۲۴: ۲).

تاکید بر میان رشته‌ای شدن مطالعات حقوقی به هیچ‌وجه به معنای از دست رفتن استقلال و تخصصی بودن حقوق نیست. در استقلال نظام و معرفت حقوقی و تخصصی بودن آن‌ها تردیدی نیست. حقوق مدرن مانند دیگر پدیدارهای مدرن بر اساس اصل تمایز و تفکیک قلمروها و کارکردها شکل گرفته است. وجود تخصص حقوقی از اقتضائات مدرنیته است و محل شک و تردید نیست اما آنچه در اینجا مورد انکار است؛ استغنای حقوق از دیگر منابع معرفتی و تجارب بشری است (راسخ، ۱۳۹۳، ۲۴-۲۶: ۲). با درک مراتب فوق، موضوع

۱. استقلال حقوق نباید به قیمت استغنای آن از دیگر رشته‌ها و معارف مرتبط تمام شود (راسخ، ۱۳۹۳، ۲۶: ۲).

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-13]

تحقیق حاضر را می‌توان یک پژوهش متاحقوقی دانست که در پی آن است که از طریق راهکارهای حقوقی–اداری به امر تراکم‌زدایی از تهران دست یابد.

۲. مبانی نظری

هرچند با آنکه در سال‌های قبل و بعد از انقلاب اسلامی، رگه‌هایی از سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی،تصویب مقررات و اجرای طرح‌های خاص در زمینه مهار رشد شتابان جمعیتی تهران مشاهده می‌گردد؛ ولی شواهد و قرائن حاکی از عدم کفایت و انسجام آنها در جلوگیری یا مهار این رشد بوده و وجود بی‌عدالتی در رشد و توسعه سایر مناطق کشور به همراه بی‌برنامگی در مدیریت پایتخت همگی باعث شدند تا شهر تهران و پایتخت کشور امروز از چالش‌ها و مشکلات بسیار جدی و بعضا خطرناک رنج برده و به‌تدریج استانداردهای یک شهر سالم را از دست بدهد. علاوه بر مسائل زیست محیطی؛ معضل وقوع زلزله احتمالی در تهران نیز وجوب تراکم‌زدایی از تهران را بیش از پیش تقویت می کند.وقوع حوادثی که در طی یک سال اخیر رخ داده است همچون حادثه پلاسکو، زلزله کرمانشاه و زلزله اواخر آذرماه در سال جاری می بایست مقامات مسئول را جهت تراکم‌زدایی در عمل و نه در گفتار کاملا مجاب کرده باشد تا در حد امکان از میزان تلفات احتمالی این وقایع کاسته شود.[۱]

در تایید نسبت بین تمرکز و تراکم در تهران با ساختار حقوقی– سیاسی، شایان توجه است که به تناسب حکومت متمرکز و تمرکز امور سیاسی– اداری در تهران، تمرکز جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیربنایی نیز در تهران به وجود آمد و این عوامل نیز هر یک به نوبه خود بر تمرکزگرایی تهران دامن زدند. این تمرکزگرایی پیامدهایی را به دنبال داشته است که از یک سو سایر مناطق کشور را از دستیابی به توسعه‌ای مطلوب بازداشته و از سوی دیگر، تهران را با مشکلاتی مواجه نموده که رفع و کاهش آنها مستلزم شناخت عوامل ایجاد کننده تمرکزگرایی در پایتخت است.

---

۱. زلزله‌ای که در تاریخ ۹۶/۹/۲۹ در تهران به وقوع پیوست؛ با آنکه زلزله‌ای چندان شدید نبود اما در ظرف یک ساعت تقریبا کنترل و مدیریت کلانشهر تهران برای دستگاه‌های ذیربط ناممکن گردید. این واقعه می‌تواند زنگ خطری برای اهتمام بیش از پیش جهت تراکم‌زدایی از تهران باشد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-13]

۳. تراکم‌زدایی از تهران

تراکم‌زدایی؛ ضعیف‌ترین نوع تمرکززدایی سیاسی است. به طور کلی، نظام‌های سیاسی متمرکز در ابتدا فرایند تمرکززدایی را با تراکم‌زدایی شروع می‌کنند. به‌همین دلیل است که تراکم‌زدایی، رایج‌ترین فرم تمرکززدایی در کشورهای درحال توسعه است (ویسی، ۱۳۹۲: ۳۵-۳۴). در نظام غیرمتراکم؛ ساختار اداری متمرکز باقی می‌ماند و تمامی تصمیم‌ها به نام دولت، از سوی کارمندان منصوب آن و در چارچوب سلسله مراتب اداری اتخاذ می‌شود (ویژه، ۱۳۹۳: ۱۸۶). باید در نظر داشت که از بعد سیاسی، نظام حکومتی ما یک نظام «متمرکز غیرمتراکم[1]» است. منظور از حکومت متمرکز یا به عبارت حقوقی دقیق‌تر، «حکومت یکپارچه یا تک ساخت» این است که در کل کشور از نظر حقوقی فقط یک حکومت، «حق تشخیص» یا صلاحیت تصمیم‌گیری دارد اما حکومت ایران غیرمتراکم نیز هست؛ یعنی در عین حال بر اساس قوانین عادی، برخی از اختیارات حکومت واحد مرکزی به نهادهای حکومتی پایین‌تر از نهاد ملی تفویض شده است. این نهادهای پایین‌تر از نهاد ملی در واقع به نوعی دنباله‌رو و یا نماینده نهادهای حکومت مرکزی تلقی می‌شوند و نه نهادهای حکومتی مستقل. با وجود این، در زمینه‌های خاصی اعتبار عمل دارند (اجلالی، ۱۳۸۵: ۳۵). به تعبیری دیگر، تراکم‌زدایی همان چکش تمرکززدایی را در دست دارد؛ با این تفاوت که تنها دسته آن بلندتر شده است (badash,1990:98-100).

در طرح تراکم‌زدایی، طراحان و برنامه‌ریزان سرزمین به دنبال کاهش بار و حجم انبوه جمعیت و فعالیت‌های یک منطقه متراکم و انتقال آنها به دیگر مناطق کم جمعیت هستند. هدف نهایی تراکم‌زدایی، ایجاد تعادل و توزیع مناسب و متوازن جمعیت و فعالیت‌ها در پهنه سرزمین است. در طرح تراکم‌زدایی؛ مناطق و بخش‌های سرزمین لزوما وابستگی اداری، سیاسی، مالی و فنی خود را به مرکز از دست نمی‌دهند و نمی توانند برای امور خود تصمیم بگیرند.

1 .Deconcentrated centralized.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-13]

البته در تحقیق پیش‌رو منظور از تراکم‌زدایی نه معنای کلاسیک و مصطلح آن؛ که مراد از آن، بهره‌مندی از مجموعه ظرفیت‌های قانونی در ق.ا. و سایر قوانین موضوعه در این حوزه جهت دستیابی به یک توازن اصولی و منطقی در تمرکز و عدم تمرکز در تهران است. هدف مهمی که با اجرایی نمودن قوانین و راهکارهای اصولی مستقر در قوانین فعلی دستیابی به آن کاملا قابل تحقق خواهد بود. از مسئولین امر انتظار می‌رود که راه حل را، نه در تصویب قوانین جدید در این حوزه، که در اهتمام به اجرای راهکارهای موجود ببینند.

۱-۳. تعریف پایتخت

پایتخت نقشی اساسی در زندگی ملت‌ها دارد و در اولین نگاه، مرکز تجمع قدرت سیاسی و اقتصادی دولت است(راوات،[1] ۲۰۰۵: ۹). به محض انتخاب محلی برای پایتخت، آن شهر از زوایای گوناگون رشد کرده و به واسطهٔ تجمع قدرت در یک محل، آثار جغرافیایی و اقتصادی عمیقی بروز می‌یابد (داشر،[2] ۲۰۰۰: ۳۹۲-۳۷۳). پایتخت همچنین، نقشی ممتاز و بارز در همگرایی و واگرایی کشورهای چند قومیتی ایفا می‌کند. در واقع پایتخت به عنوان هارتلند سیاسی، اداری، اقتصادی و فرهنگی کشور عمل می‌کند و به علت خصوصیات فرهنگی و اقتصادی و سیاسی و اداری، عامل کلیدی در ثبات سیاسی و همگرایی ملی کشور است؛ به گونه‌ای که تهران به عنوان هارتلند ثبات و امنیت ملی کشور ایفای نقش کرده است (دلالت و خالدی، ۱۳۹۳: ۴۵۶)؛ به تعبیری دیگر، پایتخت به عنوان کانون سازمان سیاسی کشور و مرکز جاذبه و نفوذ فضایی جغرافیایی محسوب می شود که از یک سو نیروهای انگیزشی مستقر در آن، عناصر و عوامل انسانی و کالبدی فضا و جریانات و شبکه‌ها را به سوی خود جلب می‌کند و از طرف دیگر، نقطه مرکزی برای پخش پدیده‌ها، فرمان ها و اعمال اراده سیاسی در اقصی نقاط فضای مربوطه به شمار می‌رود. (ایمانی و محمدی، ۱۳۹۳: ۲۳۳)؛ بنابراین پیش از هر امری، پایتخت را می‌توان مرکز کنترل سرزمینی و مکانی برای تصمیم‌گیری‌های سیاسی و نمادین دولت به شمار آورد (TAYLOR, 1989:44).

1 .Rawat.
2 .Dascher.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-13]

۲-۳. مبانی قانونی انتقال و تفکیک پایتخت

مشخصا برای اولین بار در سال ۱۳۶۴ و همزمان با دویستمین سال پایتختی تهران، موضوع انتقال پایتخت مطرح شد و حدود یک سال پس از پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، زمزمه‌هایی از انتقال پایتخت در میان کارشناسان مطرح شد که صدای آن در اتاق برخی مسئولان نیز به گوش رسید. در سال ۱۳۶۸، مطالعاتی زیر نظر وزارت مسکن و توسط مرکز مطالعات شهرسازی و معماری ایران برای مطالعات پایه‌ای انتقال مرکز سیاسی و اداری کشور صورت پذیرفت (رهنمایی و شاه حسینی، ۱۳۹۱: ۱۴۸). نتیجه بررسی‌ها این بود که اگر در سال ۱۳۶۸ طرح انتقال پایتخت اجرا شود؛ در سال ۱۴۰۰ تعداد جمعیت آن یک میلیون نفر خواهد بود (در حالی که استان کنونی تهران بیش از ۱۳ میلیون نفر جمعیت دارد). این طرح با تصمیم دولتمردان وقت مبنی بر ارجحیت ساماندهی تهران کنار گذاشته شد (طهرانی، ۱۳۹۲: ۳۵).

همچنین در سال ۱۳۷۹ مطالعاتی جامع با عنوان «امکان‌سنجی انتقال مرکز سیاسی از تهران» انجام شد که در همان مراحل اولیه متوقف باقی ماند. تقریبا یک دهه بعد با وقوع زلزله ۴ ریشتری در ۲۵ مهرماه ۱۳۸۸ در جنوب تهران (پاکدشت)، مجمع تشخیص مصلحت نظام در ۹ آبان ۱۳۸۸ انتقال مرکز سیاسی کشور در مکان مناسب جهت بهبود و اصلاح استقرار جمعیت را تا پایان چشم‌انداز بیست‌ساله (۱۴۰۴) به تصویب رساند. البته در این مصوبه، هدف تهیه مکانی مناسب برای فعالیت‌های وزارتخانه‌ها و جابجایی دفاتر اصلی قوای سه‌گانه و ساختارهای دولتی بوده است (امام جمعه‌زاده، محسن‌زادگان و حسینی امینی، ۱۳۹۳: ۲۰۱). این قبیل مصوبات که صرفا به صورت موضعی پس از وقوع یک زلزله در کشور رخ می دهد و هیچ نشانی از تصمیم به اجرای آنها وجود ندارد، به وفور به چشم می‌آید.

نهایتا در اواخر سال ۱۳۹۱، طرح انتقال پایتخت با امضای ۱۵۱ نماینده برای طی مراحل قانونی تقدیم مجلس شد و سرانجام، قانون «امکان‌سنجی انتقال مرکز سیاسی و اداری کشور و ساماندهی تمرکززدایی از تهران» در تاریخ ۹۴/۰۲/۰۶ به تصویب مجلس شورای

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-13]

اسلامی و در تاریخ ۹۴/۰۲/۱۶ به تصویب شورای نگهبان رسید. در این قانون ۴ ماده‌ای، شورای ساماندهی مرکز سیاسی و اداری کشور و ساماندهی و تمرکززدایی از تهران (ماده ۱ قانون) موظف شد حداکثر ظرف مدت ۲ سال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، نتایج تحقیقات و مطالعات خود را که بایست توسط شورای عالی شهرسازی و معماری ایران صورت پذیرد (مواد ۱ و ۳ قانون)؛ تهیه و به دولت ارائه نماید (با وجود گذشت مدت زمان مذکور از نتایج تحقیقاتی که در این زمینه صورت پذیرفته، گزارشی منتشر نشده است).

٤. نسبت‌سنجی تمرکز و تراکم در تهران با ساختار حقوقی- سیاسی

آنچه مسلم است نقطه آغاز و نیز تداوم روند تمرکز و تراکم همه‌جانبه و چند بعدی جمعیت و فعالیت در تهران و تولید اقتدار و انحصار قدرت برای آن،تمرکز قدرت سیاسی و اداری ناشی از ساخت نظام سیاسی و تمرکزگرایی اداری و اجرایی آن از انقلاب مشروطه تاکنون بوده است.تهران در پرتوی خصلت های مکانی و جغرافیایی آن و نیز نگرش، رفتار و سیاست‌های دولت حاکم طی یک قرن اخیر، به‌شدت به تمرکز، ذخیره‌سازی و انحصار قدرت روی آورده و قدرت ملی را در تمامی ابعاد بلعیده و تصاحب نموده است؛ به طوری که نوعی فرهنگ سیاسی، سلطه مکانی را در ذهنیت شهروندان تهرانی اعم از دولتمردان، سیاستمداران، بازیگران سیاسی، احزاب، کادرهای عالی و کارشناسان دولت و مردم عادی شکل داده است که فکر می‌کنند آنها حق فرمانروایی و تصمیم‌گیری در همه امور ریز و درشت در اقصی نقاط کشور و آحاد ملت ایران را دارند. این مهم را نباید از نظر پنهان داشت که نظام جدید اداری ایران، از نظام اداری فرانسه اقتباس شده است اما در ایران، نظام اداری- سیاسی از فرانسه هم متمرکزتر است. در ابتدا که حجم وظایف و خدمات دولتی کم بود؛ این سیستم به‌خوبی عمل می‌کرد اما به‌تدریج، مشکل‌های خود را نشان داد. روش تمرکز، بخش زیادی از کارکنان دولت را در تهران متمرکز ساخت. نتیجه نهایی تمرکز سیاسی و اداری، اقتصادی و...، پیدایش تمرکز شهری است؛زیرا تهران جایگاه همه جانبه‌ای یافت و سرمایه‌های دولتی و خصوصی بیشتری را به خود جذب کرد. تمرکزگرایی تهران، متاثر از عوامل گوناگونی

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-13]

پدیدار شد و این عوامل سبب ایجاد فاصله شایان ملاحظه تهران از سایر شهرها و مناطق کشوری شد. روند تمرکز اقتصادی- مالی در تهران، درواقع روند انباشت سرمایه در پایتخت بوده است.

تمرکز بیشتر اشکال فعالیت اقتصادی در تهران، تابعی از موفقیت مسلط دولتی- اداری این شهر نسبت به بقیهٔ گستره پهناور کشور است. درنتیجه این تراکم جمعیت و فعالیت همراه با یکدیگر، تمرکز را تشدید می‌نمایند و فوق تمرکز را پدید می‌آورند. در واقع در این حالت از سیستم مدیریتی؛ سازماندهی فضای کشور نیز از تمرکز موجود در سیستم تبعیت می‌کند؛ لذا می‌توان گفت مشکلاتی که امروز تهران دارد؛ نتیجه سیستم برنامه‌ریزی کشور است (زیاری، فتوحی‌مهربانی و فرهادی‌خواه، ۱۳۹۴: ۲۷۹-۲۷۸). این تمرکزگرایی، پیامدهایی را به دنبال داشته است که از یک سو، سایر مناطق کشور را از دستیابی به توسعه‌ای مطلوب بازداشته و از سوی دیگر، تهران را با مشکل‌هایی مواجه کرده است که حل آنها در ابتدا در گروی شناخت عوامل زمینه‌ساز تمرکزگرایی و سپس کاهش آن عوامل است.

کشور ما از جمله کشورهایی است که بر اساس سیستم متمرکز اداره می شود و لذا دولت نقش گسترده‌ای در اداره امور کشور در سطوح مختلف دارد. در این نظام، مولفه‌های سیاسی، اداری، اقتصادی و اجتماعی بیشترین نقش را در نظام برنامه‌ریزی فضایی و توسعه کشور ایفا می‌کنند و چون این مولفه‌ها در نقاط مختلف کشور به صورت همگون و هماهنگ ظاهر نمی‌شوند؛ از این‌رو منابع و امکانات مورد نیاز مردم هم به طور یکسان در تمام نقاط جغرافیایی توزیع نمی گردند؛ در نتیجه نابرابری‌های منطقه‌ای افزایش یافته و باعث شکل‌گیری کانون‌ها و قطب‌های رشد و توسعه در تعدادی از مراکز و توزیع نامتعادل جمعیت در سطح کشور می‌شود. (قالیباف، عزت‌پناه و پور موسی، ۱۳۸۹: ۱۵۹). امری که هم اکنون در پایتخت شاهد آن هستیم؛ استقرار درازمدت دولت اقتدارگرای مرکزی در تهران، ساختار سیاسی و اداری متمرکزی را در این شهر پایه‌ریزی نموده است. پیامد طبیعی این شیوه متمرکز که تصمیم‌گیری در همه شقوق زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را معطوف به

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-13]

اداره و میل نظامی دیوان‌سالار، مقتدر و تمرکزگرا نموده است؛ جاذبه‌ها و مزیت‌های نسبی فراوانی را در این نقطه کانونی و حوزه‌های پیرامونی آن ایجاد کرده است که نتیجه طبیعی آن زهکش نمودن بخش وسیعی از جمعیت، فعالیت و امکانات اقتصادی و اجتماعی به این محدوده جغرافیایی بوده است (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۴: ۶۹)؛ به‌گونه‌ای که اغلب امکانات مدیریتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یا در تهران متمرکز هستند و یا از تهران کنترل می‌گردند. تمرکز در حقیقت همان کارکرد اصلی دولت بسیط را در ذهن مجسم می کند(پروین و اصلانی، ۱۳۹۱: ۱۵۸).

ایجاد تغییرهای بنیادین در ساختار دولت و بوروکراسی در کشور ما بیش از چند دهه است که به طور مستمر مورد توجه دانشمندان و کارشناسان علوم سیاسی و مدیریت بوده است. لزوم چنین تحولی حتی در برخی از اصول ق.ا. ما مطرح شده است؛ به نحوی که «ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضرور»[1] یکی از هدف‌هایی است که دولت موظف به تحقق آن است. شایان ذکر است که در بین اصول ق.ا. در این حوزه، تعارضاتی وجود دارد. در غالب اصول ق.ا. تکالیفی بر دولت (قوه مجریه) بار شده است که نمی‌توان آن‌ها را با بند ۱۰ اصل سوم ق.ا. قابل جمع دانست.از نظر نگارنده، اصول ۲۸ (بسترسازی امکان اشتغال به کار)،۲۹(تامین اجتماعی برای همگان)،۳۰(آموزش و پرورش دولتی رایگان)،۳۱(فراهم آوردن مسکن مناسب) و ۴۳(بند ۱:تامین نیازهای اساسی:مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه؛ بند ۲: تامین شرایط و امکانات کار برای همه) ق.ا. که موید تکالیف قانونی وسیعی برای دولت می‌باشند و اصل ۴۴ (بخش دولتی بسیار گسترده) را نمی‌توان همسو با بند ۱۰(ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضرور) اصل سوم ق.ا.دانست. مسلما دولت جهت نیل به اهداف مقرر در اصول فوق‌الذکر نیاز به سازمان گسترده اداری خواهد داشت که با

---

۱. بند ۱۰ اصل ۳ ق.ا..

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-13]

علم به اینکه نظام سیاسی– اداری در کشورمان کاملا متمرکز می باشد؛ یقینا تاثیر مستقیم و بلاواسطه‌ای در تمرکز بیش از پیش در تهران خواهد داشت.[۱]

تراکم‌زدایی از تهران در پرتوی انتقال یا تفکیک پایتخت؛ امکان یا عدم امکان

پایتخت به عنوان کانون سیاسی در ایران فاقد ثبات و پایداری بوده است و معمولا تحت تاثیر عامل سیاسی (اراده سیاسی حکام) جابجا می‌شده است. در طول تاریخ ایران، یعنی از آغاز سلسله ماد تاکنون، ۳۱ نقطه جغرافیایی در فضای کشور چه به صورت ملی و چه به صورت منطقه‌ای، نقش کانونی به عنوان پایتخت را به عهده داشته‌اند. در مجموع، نقاط مزبور ۶۵ بار به عنوان پایتخت برگزیده شده‌اند که از میان آنها پایتخت ۳۳ بار در سطح ملی و ۳۲ بار در سطح منطقه‌ای جابجا شده‌اند. اولین پایتخت سطح ملی هگمتانه (همدان) و آخرین آن تهران می‌باشد (حافظنیا، ۱۳۹۵: ۳۰۳).

با مفروض دانستن این که تهران با توجه به نقش قانونی خود به عنوان پایتخت سیاسی کشور و نقش‌های دیگری که به‌تدریج و در اثر اعمال سیاست‌های تمرکزگرای دولت به عنوان پایتخت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور یافته است؛ همواره و بویژه در سالهای اخیر با چالش‌ها و مشکلات فراوان اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فضایی محیط زیستی و امنیتی روبرو بوده است و مشکلات تهران تنها به مشکلات طبیعی و ساختاری آن محدود نبوده و بسیاری از این مشکلات ناشی از سیاستهای کلان اداره کشور و نظام‌های مدیریتی حاکم بر کشور است. تراکم بالای جمعیت و فعالیت‌های مختلف در مقایسه با توان‌های محیطی و اجتماعی این ناحیه از سرزمین از یک سو و نابسامانی و عدم وجود نظام‌های مدیریتی کارامد در ارتباط با عملکردهای گوناگون این کلانشهر از سوی دیگر که سبب اصلی مشکلات مزبور است؛ موجب شده مسئولین کشور، علاوه بر راه حل‌های موردی (موضوعی و موضعی) که در مقاطع مختلف طراحی، تصویب و به اجرا در می‌آورند؛ برای

---

۱. می‌توان در خصوص نسبت‌سنجی تمرکزگرایی در تهران و تراکم جمعیتی در آن و معضلات زیست‌محیطی ناشی از آن چنین اذعان داشت که حدود ۳۰٪ آلودگی هوای شهر تهران ریشه در تمرکزگرایی، تصدی‌گری و بوروکراسی اداری دولتی دارد.(صفوی و پاپلی یزدی، ۱۳۹۵: ۱۱)

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-13]

غلبه بر مشکلات این کلانشهر، هر از گاهی به فکر جستجوی راه‌حل‌هایی از قبیل انتقال پایتخت، تفکیک پایتخت، انتقال گروهی از فعالیت‌های کلانشهر تهران، طرح خروج کارمندان از تهران و... به سایر نقاط کشور باشند.[۱]

هنگام مطالعه و تصمیم‌گیری یا برنامه‌ریزی برای تفکیک یا انتقال پایتخت باید عوامل کلیدی اثرگذار بر کارکرد پایتخت شناسایی و بررسی شوند. چند مورد از این عوامل عبارتند از: عوامل سیاسی (تمرکز بر قدرت‌های تصمیم‌گیر)، اداری (تمرکز بر وظایف قضایی، قانون‌گذاری و اجرایی)، فرهنگی (تمرکز بر فعالیت‌ها، نمادین و حمایت فرهنگی از آن فعالیت‌ها)، اقتصادی (تمرکز بر منابع اصلی مالی)، اطلاعاتی(تمرکز بر منبع اصلی تصمیم‌گیری)، صنعتی (تمرکز بر بسیاری از صنایع آلاینده) و نمادین (تمرکز بر ارزش ها و هنجارها).

۱-٤. انتقال پایتخت و تراکم‌زدایی از تهران

طی سال‌های اخیر تصمیمات و سیاست‌های متعددی به منظور تسریع در اجرای اصل عدم تمرکز و سوق دادن سرمایه و کادرهای تخصصی از مراکز به مناطق مستعد، کاهش تراکم امور اداری در مرکز و کاهش جذابیت و روند مهاجرت به شهر تهران اتخاذ شده است؛ اما بنا به دلایل مختلف، هیچ یک از راهکارها یا به‌درستی و کامل اجرا نشده‌اند و یا بنا به دلایلی نتوانسته‌اند نقش چشمگیری در کاهش معضلات شهر تهران ایفا کنند. بر این اساس، اخیرا موضوع انتقال مرکزیت سیاسی که همواره به عنوان یکی از سازوکارهای حل مشکلات پایتخت مطرح بوده است؛ بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. با عنایت بر محدودیت‌ها، تبعات و آثار بسیار متعدد و پیچیده‌ای که موضوع انتقال پایتخت به همراه دارد؛ سوال مهم و اساسی این است که آیا جابجا نمودن مرکزیت سیاسی از شهر تهران و استقرار

---

۱. تاریخ بحث بر سر انتقال پایتخت از تهران به نقاط دیگری از کشور از سال ۱۲۰۹ شمسی که زمین لرزه‌ای شدید طی چند ثانیه خساراتی عظیم به این شهر وارد نمود؛ مطرح شده است. در سالیان اخیر نیز سایه زلزله به عنوان یک بلای طبیعی، همیشه بر مبحث انتقال پایتخت سنگینی نموده است (امام‌جمعه‌زاده،محسن‌زادگان و حسینی امینی، ۱۳۹۳: ۱۹۸).

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-13]

آن در مکانی دیگر، تنها راهکار ممکن و اجتناب‌ناپذیر رهایی از معضلات شهر تهران و برخورداری از یک پایتخت سامان یافته و به دور از آشفتگی‌های کنونی تهران است؟ اجرای این راهکار چگونه و تا چه میزانی ضروری است؟ آیا راهکار مذکور از قابلیت اجرایی لازم برخوردار است؟ در حالی که بسیاری از راهکارهایی که تاکنون در قالب بهبود نظام مدیریت شهر تهران مطرح شده‌اند به دلایلی همچون عدم قابلیت اجرا در شرایط فعلی کشور و یا عدم برخورداری از حمایت‌های لازم در مرحله اجرا به سرانجام مطلوب نرسیده‌اند؛ صحبت از راهکار انتقال پایتخت که از هزینه‌های اجرایی بسیار بیشتری نسبت به سایر راهکارها برخوردار بوده و تبعات ناشی از آن نیز تا حد زیادی روشن نمی باشد، مستلزم بررسی‌های همه جانبه و گسترده‌ای است.

در مقام نقد انتقال پایتخت باید این سوال را مطرح نمود که به جای انتقال پایتخت آیا نمی‌توان به راه‌حل‌های دیگری مانند واگذاری اختیارات بیشتر به نهادهای محلی، ظرفیت‌سازی یا تداوم سیاست‌های توسعه متوازن کشور اندیشید؟ به نظر می‌رسد که پیشنهاد انتقال فیزیک پایتخت به موقعیت جغرافیایی دیگر، نمی‌تواند راه حل مناسبی برای حل مشکلاتی از قبیل معضلات زیست‌محیطی، تمرکز ناموزون امکانات، تراکم جمعیت، بوروکراسی و...تهران باشد؛ این پیشنهاد درواقع انتقال مساله و مشکل به منطقه و شهری دیگر است. راهکار دیگری که ارائه شده، انتقال برخی از کارکردهای (اقتصادی، خدماتی، درمانی، صنعتی، اداری و...) پایتخت‌ها به شهرهای دیگر است؛ اما به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین و به صرفه‌ترین راه‌حل‌ها، انتقال فعالیت‌ها و خدمات پایتخت به فضای مجازی است. اساسا مسیر هوشمندسازی، الکترونیک کردن کار و تقویت انجام کار بدون طی مسافت، راه حلی است که در کشورهای مختلف مثل کره جنوبی، هلند و استرالیا نتایج مفید و گره‌گشایی داشته است (احمدی، رضایی و امینی، ۱۳۹۳: ۷۲-۷۱) که در راستای اعمال اصل انطباق و در چارچوب دولت الکترونیک تحقق آن دور از دسترس نیست. راهکار مدرنی که مسلما از منظر هزینه- فایده نسبت به راهکارهایی همچون انتقال و تفکیک پایتخت، منطقی‌تر و به صرفه‌تر به نظر می‌آید. مسلما یکی از وجوه با اهمیت واقعیات موجود که

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-13]

قانون‌گذار باید ارزیابی واقع‌بینانه‌ای از آن داشته باشد؛ منابع عمدتا مالی در دسترس، یا دست کم منابع قابل انتظار برای دسترسی در زمان تعیین شده است. فوکو، نخستین وظیفه حکومت را «اطلاع از منابع مالی، طبیعی و انسانی» می‌داند تا بر آن اساس، حکومت قادر به تمشیت امور باشد. اهمیت این آگاهی در قانون‌گذاری به این دلیل برجسته می‌شود که قانون‌گذار چه بسا با تصویب قانون جدید، بدون درنظرگرفتن هزینه‌های ناشی از آن، اقدام به قانون‌گذاری کند. در این حالت، علاوه بر این که محصولی را خلق کرده است که امیدی به فایده رساندن و کارایی آن نیست؛ قوه مجریه را نیز برای اجرای آن با دشواری مواجه می‌سازد (مرکز مالمیری، ۱۳۹۰: ۹۱). می‌توان این تحلیل فوکو را در خصوص انتقال پایتخت از تهران با توجه به هزینه سرسام آور آن صادق دانست.[۱]

طبق برآوردی که در سال ۱۳۶۸ در دولت سازندگی انجام شده بود؛ هزینه انتقال پایتخت از تهران چیزی حدود ۵ هزار میلیارد تومان هزینه داشت. این هزینه در سال ۶۸ معادل ۱۰ برابر بودجه عمومی دولت و ۶ برابر بودجه کل کشور بود. این رقم به نرخ امروز ارزشی معادل ۲۲۳ هزار میلیارد تومان دارد. هزینه‌ای که در فرض انجام آن، متضمن فایده‌ای قطعی نخواهد بود و چه‌بسا مانند بسیاری از کشورهایی که در این مسیر قدم برداشته‌اند مانند (ترکیه، پاکستان، برزیل و...) نتواند قابل دفاع باشد. باید اذعان داشت که ارقام ارائه شده در رابطه با هزینه‌های جابجایی پایتخت، بسیار بالا و خارج از تحمل اقتصاد کشور در شرایط کنونی است و انجام چنین کاری را با دشواری مواجه می‌سازد. به فرض اگر چنین بودجه‌ای تامین شود؛ هزینه این سرمایه عظیم در سایر مناطق جغرافیایی و استان‌های کمتر توسعه‌یافته به جای جابجایی پایتخت، علاوه بر تقویت بنیان‌های عدالت اجتماعی و اقتصادی در کل کشور، با ایجاد زمینه‌های مناسب توسعه و اشتغال، خود عاملی ارزشمند در

۱. از جمله مهمترین و شاید اصلی‌ترین موانعی که در راه انتقال پایتخت از تهران وجود دارد؛ هزینه‌های مالی بسیار سنگین آن است؛ به نحوی که در شرایط حاضر اقتصاد کشور،امکان تحمل چنین بار مالی بزرگی برای دولت امکان پذیر نیست و گاهی در برخی آمارها این بار مالی با صادرات نفتی چند سال ایران برابری می‌کند.(سلطانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۵۹)

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-13]

جلوگیری از هجوم سالانه جمعیت به تهران خواهد شد و به کاهش مشکلات این کلانشهر ملی کمک شایانی خواهد کرد (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۶۰-۶۵۶) .

اگر به جای هزینه انتقال پایتخت، دولت یک دهم هزینه انتقال آن را برای عمران و توسعه روستاها و شهرهای محروم هزینه کند؛ هم زودتر و منطقی‌تر جواب می‌دهد و هم کمتر از ۵ سال به نتیجه مثبت خواهد رسید (رضوی، ۱۳۹۴). باید این مهم را در نظر داشت که در نظام برنامه‌ریزی متمرکز، انتقال پایتخت یعنی انتقال مشکلات و معضلات از پایتخت قدیم به پایتخت جدید (زیاری، فتوحی مهربانی و فرهادی‌خواه، ۱۳۹۵: ۱۱)

۲-٤. تفکیک پایتخت و تراکم‌زدایی از تهران

برای حل مشکل تمرکزگرایی تهران و رفع معضلات آن، نگاه‌ها باید کاملا علمی و ریشه‌ای باشد. در این زمینه هم نگاه ریشه‌ای، شکستن تمرکز قدرت چند بعدی تهران (نه فقط قدرت سیاسی- اداری) و ارائه راهکار متناسب با هدف است. یکی دیگر از راهکارهای پیشنهادی از جانب برخی کارشناسان، بحث تفکیک پایتخت سیاسی- اداری از پایتخت اقتصادی- تجاری می‌باشد؛ نظیر آنچه در کشورهایی مانند استرالیا و مالزی رخ داده است اما در تحلیل این پیشنهاد باید اذعان داشت که با توجه به درهم‌تنیدگی بنیان‌های اقتصادی- اجتماعی و کالبدی کلانشهر تهران به عنوان ظرف و پایتخت سیاسی کشور به عنوان اصلی‌ترین مظروف آن، تحقق این امر تقریبا ناشدنی است. در قالب طرح تقسیم تهران بزرگ به دو پایتخت تجاری- اقتصادی و سیاسی- اداری، پیشنهاد شده است که تهران بزرگ به عنوان پایتخت سیاسی- اداری به قوت خود باقی مانده و در کنار آن، مکانی برای ایجاد پایتخت اقتصادی-تجاری انتخاب شود (میرزایی تبار و کاوندی کاتب، ۱۳۹۳: ۱۳۶۲). درواقع در نقد این دیدگاه باید اذعان داشت از زمانی که آقامحمدخان قاجار تهران را به عنوان پایتخت برگزید؛ تاکنون آنچنان رشته‌های پیوند بین عملکردهای حکومتی کلانشهر و یا به عبارتی پایتختی آن و بسترهای اقتصادی- اجتماعی و فضایی-کالبدی آن تنیده شده است که عملا جدایی این مظروف را از ظرف خویش امکان‌ناپذیر می‌داند. به تعبیر دیگری، برخاسته از این دیدگاه، کلانشهر تهران و عملکرد پایتختی تهران همانند دوقلوهای به هم چسبیده‌ای

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-13]

هستند که در عناصر حیاتی مثل قلب و مغز با یکدیگر مشترک بوده و جداسازی آن‌ها با پیشرفته‌ترین اعمال جراحی هم به مرگ یکی از آنها و یا هردو خواهد انجامید.

از سوی دیگر قدرت اقتصادی و مالی و تجاری کشور نیز همچون قدرت سیاسی در تهران متمرکز شده است. تمرکز شبکه‌های بزرگ بانکی مادر، پول و ارز و عملیات مربوط به آنها، بیمه، بازار، کمپانی‌ها، دفاتر شرکت‌ها و کارخانجات کشور و تجار بزرگ مالی و بین‌المللی در تهران سبب شده است رهبری اقتصاد ملی در تهران متمرکز شود و تمرکز اقتصادی- مالی با تمرکز سیاسی- اداری و تمرکز جمعیتی و خدمات اجتماعی همراه گردد. شایان توجه است که نتایج نظرسنجی از مهاجران در طرح ملی ساماندهی مهاجرت کشور نیز نشان می دهد که اصلی‌ترین عامل انتقال جمعیت به منطقه شهری تهران، دستیابی به کار و شغل و درآمد بیشتر (عامل اقتصادی) است[1] (زیاری، فتوحی مهربانی و فرهادی‌خواه، ۱۳۹۴: ۲۸۲). تمرکز اقتصادی- مالی در تهران با ذکر آمار و ارقام ذیل ملموس‌تر خواهد بود. تهران محل استقرار ۳۶ درصد از کل بانک‌های کشور است.۴۷ درصد از کل سرمایه‌گذاری‌های ساختمانی در تهران صورت گرفته و ۸۴ درصد از وامهای مسکن کشور به تهران اختصاص داشته است (سرور، ۱۳۸۸: ۸۲). روند میزان سپرده‌ها در استان تهران از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴ نشان می‌دهد که در طول این سالها، این رقم با نوساناتی همواره در حال افزایش بوده است و بین ۵۵ تا ۶۲ درصد سپرده‌های بانکی کشور در این استان قرار داشته است؛ همچنین باید ذکر کرد که یکی از علل مهم بالا بودن رقم تسهیلات و سپرده‌ها در استان تهران، استقرار دفاتر بسیاری از شرکت‌ها و موسسات تولیدی سایر استان‌ها در استان تهران بوده که عمده فعالیت‌های بانکی آنها از طریق شعب بانک‌های این استان انجام می‌شود؛ همچنین در حدود ۷۵ درصد از ثروتمندان شامل دهک‌های پردرآمد کشور نیز

---

۱. تعداد اشتغال شهر تهران نسبت به تعداد جمعیت فعال شاغل ساکن در شهر بسیار بیشتر است؛ به گونه‌ای که تنها ۶۷/۵ درصد از فعالیت‌های اقتصادی شهر توسط شهروندان تهرانی پوشش داده می‌شود و بقیه آن به وسیله شاغلین حوزه‌های حاشیه‌ها تامین می‌شود؛ از این‌رو روزانه تعداد ۲ تا ۳ میلیون نفر برای فعالیت و استفاده از خدمات آموزشی، بهداشتی و... به تهران وارد می‌شوند که این سفرها موجب تراکم ترافیک به‌ویژه در محدوده‌های مبادی شهر می‌شود (داوودی، ۱۳۸۹: ۱۲).

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-13]

در تهران مستقر بوده‌اند (زیاری، فتوحی مهربانی و فرهادی خواه ،۱۳۹۴: ۲۶۸) که در مجموعه موارد فوق بیانگر تمرکز شدید اقتصادی در این ابرشهر می‌باشد و با وجود این حجم از تمرکز اقتصادی در تهران، صرف تمرکززدایی سیاسی–اداری از این شهر نمی‌تواند منتج به نتیجه مطلوبی در این زمینه بشود.

۳-٤. اهداف انتقال یا تفکیک پایتخت و ارتباط آن با تراکم‌زدایی از تهران

موضوع تفکیک یا انتقال پایتخت از نگاه سیستمی و درعصر پویا و نسبتا پیچیده حاضر، فارغ از تمامی هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم آن در حوزه‌ها و زیر سیستم‌های مختلف و مباحث بوم‌شناختی؛ موضوعی مورد مناقشه بوده است که از یک سو، باید امکان‌پذیری و پیامدهای ناشی از آن بررسی شود و از سویی دیگر، در سطحی بالاتر باید بهینه بودن این تصمیم نسبت به سایر گزینه‌های جایگزین اثبات گردد (طهرانی، ۱۳۹۲: ۳). مسلما اتخاذ هر تصمیم در خصوص انتقال یا تفکیک پایتخت سیاسی کشور از تهران مستلزم جامع‌نگری،کل‌نگری، تحلیل ساختاری و راهبردی همه ابعاد ملی و محلی تهران از یکسو و روندهای غالب جهانی از سوی دیگر است. باید اذعان داشت که قانون‌گذاری، فرایندی نه برای تفنن، بلکه فرایندی هدفمند و با قصد اجرا شدن مفاد مصوب محسوب می‌شود. درواقع محصول قانون‌گذاری، قانونی است که فقط با اجرا شدن آن می‌توان برای تشکیلات عریض و طویل قوای قانون‌گذاری و هزینه‌های قابل توجه فرایند تقنینی دلایل موجهی ارائه کرد. یکی از جنبه‌های نادیده گرفتن اصل واقع‌گرایی در تقنین، عدم توجه به کیفیت اجرا شدن قانون است. قانون‌گذاران در تصویب هر قانون باید همواره این نکته را در ذهن داشته باشند که قانون‌گذاری، عملی اداری– اجرایی نیست که با انجام آن، تکلیف مجری به انجام رسیده باشد؛ بلکه قانون‌گذاری، تکلیفی است که همواره باید اصل احتیاط را در اعمال آن در نظر داشت و چه بسا در مواردی، عدم قانون‌گذاری؛ راهکاری مناسب‌تر در اعمال اختیارات تقنینی باشد تا اقدام به قانون‌گذاری. یکی از مهمترین اصول در قانون‌گذاری که ضرورت احتیاط قانون‌گذار را دو چندان می‌سازد؛ اطمینان نسبی و قابلیت پیش‌بینی معقول از اجرای مصوبات است (مرکز مالمیری، ۱۳۹۰: ۹۲۱–۹۱). با توجه به هزینه نجومی انتقال و تفکیک پایتخت،

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-13]

قانون‌گذار بایستی در وضع قانون به منابعی که در اختیار جامعه است توجه نماید. به عبارت دیگر، اگر قانون‌گذار بدون درنظرگرفتن منابع قابل دسترس جامعه، قانون بگذراند، در حقیقت دستوری صادر کرده که یا امکان به وقوع پیوستن آن وجود ندارد یا این که تلاش برای اجرای آن، قطعا موجب بروز مشکلات و پیچیدگی‌های فراوانی در زندگی افراد و جامعه خواهد گردید (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۱۷۳-۱۷۱).[۱] به همین دلیل در قوانین اساسی کشورها قانون‌گذار از وضع قوانینی که موجب بالارفتن هزینه‌های عمومی است منع گردیده یا ملزم به پیش‌بینی منابع درآمدی لازم برای اجرای آن قوانین است؛ از این‌رو مقنن نمی‌تواند بی‌توجه به وضع اقتصادی و توانایی‌های جامعه قانون وضع کند و اجرای آن را از قوه مجریه بخواهد. زمانی می‌توان گفت قانون‌گذاری «به حد بهینه» خود رسیده است که «خالص منافع حاصل از آن به حداکثر خود برسد.» (رنانی، ۱۳۷۲: ۱۳). از آنجایی که یکی از دلایل اصلی وجوب انتقال یا تفکیک پایتخت در کشور، بحث زلزله قریب‌الوقوع در تهران با توجه به سابقه تاریخی و زلزله‌خیز بودن این کلانشهر می‌باشد؛ اما باید افزود که هرچند نقشه‌های زمین‌شناختی و پهنه‌بندی زلزله و سابقه وقوع زلزله در هر دوره ۱۵۸ ساله، تاییدکننده زلزله‌خیز بودن پایتخت می‌باشند (عکاشه، ۱۳۸۵: ۵) اما نمی‌توان آن را دلیلی بر انتقال پایتخت دانست؛ زیرا با توجه به واقع شدن ایران بر روی یکی از دو کمربند زلزله‌خیز جهان و وجود گسل‌های فراوان، وقوع زلزله در فلات ایران امری طبیعی است. در واقع ایران جزو ده کشور بلاخیز و ششمین کشور زلزله‌خیز دنیاست و ۹۰ درصد خاک ایران بر روی نوار زلزله واقع شده است (امبرسز و ملویل، ۱۳۷۹: ۳۷۵). امن‌ترین نقطه کشور از نظر لرزه‌خیزی، کویر لوت است؛ لذا نمی‌توان در ایران مکانی را برای پایتخت برگزید که در مقابل زلزله ایمن باشد.

۱۲. دکترکاتوزیان از این اصل تحت عنوان«لزوم تعیین محل قانون» نام برده است.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-13]

۵. مطالعه تطبیقی انتقال یا تفکیک پایتخت

تجارب جهانی انتقال یا تفکیک پایتخت نشان می‌دهد که این دو، راهکارهای چندان قابل اتکایی نیستند؛ به گونه‌ای که کشورهای مختلفی مانند ترکیه، پاکستان، برزیل، استرالیا و آلمان اقدام به انتقال یا تفکیک پایتخت کرده‌اند و از وضع موجود پایتخت خود راضی نیستند؛ به گونه‌ای که با وجود هزینه‌های بسیاری که به دنبال داشته است؛ در بیشتر موارد نتوانسته انتظارات لازم را برآورده سازد (راوات، ۲۰۰۵: ۹)؛ همچنین ایجاد یک پایتخت جدید و پیش‌ساخته در وضعیت فعلی با وجود مشکلاتی که کشور در تنظیم بودجه دارد؛ قابل توجیه نیست؛ لذا بایست از تجربیات سایر کشورها در زمینه انتقال و تفکیک پایتخت بهره جست. در همه کشورهای مورد مطالعه، ساخت پایتخت‌های جدید تاثیر قابل ملاحظه‌ای بر زندگی و حیات پایتخت قدیم نداشته و فقط آهنگ رشد را تا حدودی کاهش داده و متعادل ساخته است. برای مثال، امروزه جمعیت اسلام‌آباد و مناطق حومه آن چیزی حدود ۲ میلیون نفر است؛ در حالی که کراچی با وجود از دست دادن کارکرد پایتخت بودنش، چیزی حدود ۲۳ میلیون نفر جمعیت دارد و پرجمعیت‌ترین شهر جهان بعد از شانگهای است.کراچی همچنان بزرگترین شهر پاکستان، از بزرگترین بندرهای جهان و مهمترین مرکز تجارت و صنعت پاکستان است (وزارت راه و شهرسازی، ۱۳۹۴: ۱۵۵)؛ همچنین در ترکیه نیز در سال ۱۹۲۳ پایتخت از استانبول به آنکارا انتقال یافت که در آن زمان، جمعیتی حدود ۴ میلیون نفر داشت اما این شهر هم اکنون با در اختیار داشتن ۱۱ میلیون نفر جمعیت، ۳۸ درصد از فعالان صنعتی، ۵۵ درصد از تولیدات و همچنین ۴۵ درصد از تجارت کشور، همچنان مهم‌ترین مرکز اقتصادی این کشور می‌باشد. هرچند آنکارا دارای اهمیت سیاسی است؛ اما استانبول همچنان مرکز فعالیت‌های صنعتی، تجاری و گردشگری است (طهرانی، ۱۳۹۲: ۳۳-۲۹) که

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-13]

این دو مثال می‌تواند موید این باشد که انتقال پایتخت لزوما منجر به کاهش تراکم جمعیتی در پایتخت‌ها نمی‌شود.[۱]

علاوه بر این در تعداد کمی از کشورها، کارکردهای حکومت در یک شهر متمرکز نشده، بلکه در بین بیش از یک شهر تقسیم شده است. مثلا در هلند، آمستردام پایتخت تشریفاتی و مقر رسمی پادشاه به شمار می‌رود؛ ولی محل اصلی حکومت و مجلس در «هوگو» قرار دارد (محمدی و خالدی، ۱۳۹۳: ۱۴۳۰-۱۴۲۹). در آفریقای جنوبی نیز قوه مجریه در پروتوریا، قوه مقننه در شهر کیپ تاون و قوه قضاییه در شهر بلوم فونتن قرار دارد (میرحیدر، ۱۳۸۱: ۱۴۰)؛ در آلمان نیز بالاترین ارگان قوه قضاییه در کارلسروهه واقع شده، در حالی که پایتخت سیاسی آلمان، برلین است و هنوز برخی از وزارتخانه‌ها اساسا در شهر بن واقع شده‌اند و پایتخت پیشین آلمان غربی هنوز هم به نام شهر فدرال شناخته می‌شود (احمدی‌پور و ولی قلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۱)؛ همچنین استرالیا توانست فعالیت‌های سیاسی، اداری و اقتصادی را میان شهرهای کانبرا، ملبورن و سیدنی توزیع کند. درواقع کانبرا دارای نقش سیاسی و فرهنگی است و در عین حال حالت سمبلیک دارد و ملبورن و سیدنی مراکز فعالیت‌های صنعتی و بازرگانی هستند (داوودی، ۱۳۸۹: ۲۵-۲۴) یا بمبئی و دهلی‌نو در هند یا واشنگتن دی‌سی و نیویورک در ایالات متحده آمریکا که هرکدام این سیاست را عملی ساختند و با این سیاست، فشار ناشی از توسعه شتابان و سریع کشور را از دوش شهرهای اصلی و مرکزی برداشته و فرصت ترمیم آن‌ها را فراهم آورده‌اند (معاونت حقوقی امور مجلس و استان‌های معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور،۱۳۸۹: ۱۱-۱۰). این نکته را باید در نظر داشت که گونه‌ای از مطالعه تطبیقی در این زمینه می‌تواند به ما یاری رساند که کشورهایی از این منظر مورد قیاس قرار گیرند که از لحاظ ساختار حقوقی- سیاسی و شکل حکومت به کشورمان قرابت داشته باشند و موفقیت یا عدم موفقیت کشورهایی مثل آلمان

۱. البته موفقیت انتقال پایتخت در کشور آلمان از بن به برلین در سال ۱۹۹۰ میلادی را نمی‌توان یک قیاس منطقی با انتقال پایتخت در ایران دانست؛ چرا که آلمان کشوری با سیستم حکومتی فدرال می‌باشد و ایران یک کشور بسیط و متمرکز.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-13]

که دارای ساختاری کاملا متمایز از ایران می‌باشند؛ نمی‌تواند ضامن موفقیت تفکیک احتمالی پایتخت در ایران باشد.

در ادامه بنا داریم تجربه تفکیک پایتخت در مالزی را مورد بررسی قرار دهیم. مالزی کشوری چند ملیتی و چند فرهنگی است که به سطح مناسبی از پیشرفت اقتصادی در میان کشورهای اسلامی رسیده است. ایده تاسیس پایتخت اداری جدید به عنوان جایگزین کوالالامپور، در اواخر سال ۱۹۸۰ م و در زمان حاکمیت ماهاتیرمحمد چهارمین نخست وزیر مالزی شکل گرفت. پس از مکان‌یابی، مقرر شد تا کوالالامپور به عنوان پایتخت رسمی و مرکز اصلی مالی و تجاری کشور باقی بماند و پوتراجایا به مرکز اداری دولت فدرال تبدیل شود. ۱۵ سال بعد و در آگوست ۱۹۹۵ م، پوتراجایا با احداث ۶۴ هزار واحد مسکونی به بهره‌برداری رسید و از آن زمان تا به امروز این شهر نوین هم‌چنان دستخوش پیشرفت همه‌جانبه و گسترده‌ای بوده است. هرچند توسعه شهر در سال ۱۹۹۷ م در پی بحران اقتصادی کشورهای جنوب شرقی آسیا دچار وقفه شد اما با اعلام پوتراجایا به عنوان قلمروی فدرال در فوریه سال ۲۰۰۱ م و نقل مکان اغلب وزارتخانه‌ها و قوه قضاییه به این شهر، روند تجهیز آن سرعت گرفت و این شهر به یک پایتخت تمام عیار اداری تبدیل شد و در حال حاضر علاوه بر ۱۹ وزارتخانه، تعداد زیادی از سازمان‌ها و نهادهای عمومی در این شهر به مردم خدمت‌رسانی می‌کنند (اجاقلو و اجاقلو، ۱۳۹۳: ۴۹). پوتراجایا یک شهر برنامه‌ریزی شده است و احداث آن منجر به کاهش بار ترافیک و شلوغی ناشی از مراجعه به ادارات دولتی بوده است. پوتراجایا علاوه بر حل معضلات تراکم ناشی از مراجعه به ادارات دولتی در کوالالامپور به یکی از مقصدهای جهانگردان تبدیل شده است. انتقال پایتخت اداری برای مالزی‌یایی‌ها نوعی تبدیل تهدید به فرصت بوده است (دل‌آرام و قادری، ۱۳۹۳: ۴۲۳). آنچه در موفقیت تفکیک پایتخت در مالزی نمی‌بایست از نظر دور داشت؛ این که نوع حکومت مالزی فدرال بوده است، توسعه منطقه‌ای- به‌خصوص توسعه اقتصادی منطقه‌ای- جزو اولویت‌های توسعه‌اش بوده و جهت‌گیری توسعه اقتصادی‌اش را بر تجارت جهانی هوشمند

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-13]

قرار داده است که این مهم در پرتوی پیاده‌سازی دولت الکترونیک محقق شده است (وزارت راه و شهرسازی، ۱۳۹۴: ۱۸۵).

نکته پایانی این که، انتقال و تفکیک پایتخت از تهران مسائل و مشکلات متعددی از جمله موارد زیر را به همراه دارد:

۱. پیدا کردن یک منطقه مناسب جغرافیایی در کشور که بتوان پایتخت را بدان‌جا منتقل کرد؛ کار ساده‌ای نیست. اکثر مناطقی که برای این کار پیشنهاد می‌شود؛ عاری از مشکلات طبیعی (گسل، زلزله، کمبود آب و...)، مشکلات انسانی و زیرساختی نیستند؛ بنابراین اولین مشکل انتقال یا تفکیک پایتخت از تهران، پیدا کردن یک مکان مناسب جغرافیایی مورد قبول است.

۲. انتقال و تفکیک پایتخت، به حجم عظیمی از اعتبارات مادی نیاز دارد. در شرایط فعلی، تامین این مخارج بدون استقراض خارجی و یا ضربه وارد آوردن به بخش‌هایی از اقتصاد داخلی ممکن نیست.

۳. نمونه‌های موفق از انتقال یا تفکیک پایتخت در جهان بسیار کم است؛ حتی در مواردی که پایتخت جدید مشکلات مربوط به امور پایتختی را تا حدی حل کرده است؛ مشکلات پایتخت قبلی در جای خود باقی مانده است؛ برای نمونه، کراچی، ریودوژانیرو، استانبول و ...

۴. اکثر کشورهایی که اقدام به جابجایی پایتخت کرده‌اند و تا اندازه‌ای موفق بوده‌اند؛کشورهایی با ساختار سیاسی فدرال و با اقتصاد نسبتا قوی بوده‌اند؛ مانند آلمان.

۵. برخی از کشورها که اقدام به جابجایی پایتخت کرده‌اند؛ در جستجوی سمبل انسجام ملی و یا رسیدن به مرکزیت جغرافیایی بوده‌اند. تهران خود نماد وحدت ملی ایران است. در ظرف دو قرن، تهران آیینه تمام‌نمای ایران شده است. همه ادیان، مذاهب، اقوام و زبان‌های موجود در کشور در تهران به زندگی مسالمت‌آمیز دست یافته‌اند. تهران امروز می‌تواند سمبل همزیستی مسالمت‌آمیز و صلح بین گروههای جمعیتی با قومیت‌ها و هویت‌های مختلف برای جهان باشد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-13]

۶. تهران مرکز پردازش اطلاعات سیاسی، اقتصادی، انتظامی، نظامی، امنیتی، دانشگاهی و بهداشتی کشور است. این وظیفه در طول دهه‌های متمادی، افراد نخبه‌ای را پرورش داده است. نخبگانی که توانایی اداره کشور، صنایع، خدمات، کشاورزی و تجارت و ... را دارند. این افراد به‌سادگی محدوده کاری خود را رها نمی‌کنند. پایتخت‌ها خود نخبه‌پرورند. مدیریت نخبگان کار ساده‌ای نیست.تهران یک شهر هست؛ ولی فقط یک کالبد شهری نیست.

۷. در شرایط فعلی، ایده تمرکززدایی و استفاده از تکنولوژی‌های برتر یا (HI-Tech) می‌تواند مساله انتقال و تفکیک پایتخت را زیر سوال ببرد. تکنولوژی، اجازه دورکاری یا اشتغال و کنترل و نظارت از راه دور را بسیار تسریع کرده است (پاپلی یزدی، ۱۳۹۳: ۱۶-۱۸). با درک مراتب فوق نمی‌توان انتقال و تفکیک پایتخت را راهکاری موثر در زمینه تراکم‌زدایی حقوقی- اداری از تهران دانست.

٦. فرجام

در نقد انتقال یا تفکیک پایتخت باید در نظر داشت که به جای اینکه پایتخت را منتقل کنیم؛ باید در جهت پراکنده کردن مدیریت و خدمات گام برداریم. اگر کلیه فعالیت‌های خدماتی، تولیدی و فرهنگی در سراسر استان‌ها (مطابق بند ۹ اصل سوم و اصل چهل و هشتم قانون اساسی) به صورت عادلانه توزیع شود؛ نیازی به انتقال یا تفکیک پایتخت نخواهیم داشت.از سوی دیگر،تمرکززدایی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی، بهداشتی- درمانی، صنعتی و پراکنده کردن مدیریت و خدمات در جهت ایجاد عدالت توزیعی و اجتماعی در کشور به جای انتقال و تفکیک پایتخت پیشنهاد می‌شوند؛ چرا که عامل اصلی تمرکزگرایی در شهر تهران نه تمرکز سیاسی- اداری، بلکه اقسام مختلف تمرکز که در تحقیق حاضر اشاره شد، می‌باشند. تفویض اختیارات بیشتر به مدیریت محلی در استان‌ها، شهرستان‌ها، شهرها و در نتیجه تمرکززدایی در زمینه‌هایی که مورد اشاره واقع شد، می‌تواند از تمرکز امکانات و تراکم جمعیتی در تهران بکاهد و منجر به سرمایه‌گذاری در مناطق محروم و مرزی کشور شود؛ راهکاری که می‌تواند در جهت کاهش تمرکز و تراکم در تهران و ساماندهی پایتخت، مقرون به صرفه باشد؛ لذا شکستن عالمانه این تمرکز و توزیع بهینه و همه‌جانبه آن در پهنه و

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-13]

فضای جغرافیایی کشور، وضعیت مناسبی را برای قرار گرفتن ایران در مسیر توسعهٔ بیشتر، تحصیل رفاه و آسایش برای ملت و حل بخشی از بحران‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اداری کشور فراهم می‌آورد. به بیانی روشن‌تر این که: «انتقال و تفکیک پایتخت سیاسی» را نمی‌توان تنها راه تمرکززدایی و کاهش حجم فعالیت در پایتخت دانست؛ چرا که مقوله عدم تمرکز صرفا به بحث مکانی مربوط نیست و می‌توان در حوزه‌های اداری (انتقال وظایف دولت به سطوح محلی)، مالی (تفویض منابع مالی)، اقتصادی (سرمایه‌گذاری در نقاط مختلف کشور)، سیاسی(تفویض قدرت های تصمیم گیری) یا ترکیبی از موارد ذکر شده، شاهد آن بود. از سوی دیگر، کاهش مشکلات پایتخت را باید در ساماندهی مدیریت فضایی آن با رویکرد تراکم‌زدایی و تمرکززدایی، ایجاد شهر و شهروند الکترونیک برای رفع معضلات زیست محیطی، ابتکارات علمی در ساخت و سازها برای کاهش تلفات خطرات طبیعی، اجرای قوانین مرتبط با آمایش سرزمین و توسعه متوازن، کوچک‌سازی دولت و... جستجو کرد؛ چرا که شهرهای دیگر ایران نیز از خطر زلزله احتمالی مصون نیستند.

به نظر می‌آید با انتقال پایتخت یا تقسیم تهران در قالب طرح تقسیم تهران بزرگ به دو پایتخت تجاری- اقتصادی و سیاسی- اداری، مشکلات پایتخت قابل حل نیست. باید نگاهی ریشه‌ای به موضوع داشت و در همین راستا،طرح آمایش سرزمین در اولویت قرار گرفته و با توزیع عادلانه امکانات و فرصت های سیاسی،اقتصادی،تجاری،فرهنگی،خدماتی و... در بخش های مختلف کشور،تفاوت های ناحیه ای و مکانی را از میان برداشته و از این طریق از مهاجرت های بی رویه به سوی تهران جلوگیری به عمل آید و حتی منجر به مهاجرت معکوس شود این نکته نیز باید مورد امعان نظر قرار گیرد که بسیاری از نهادهای اقتصادی- تجاری کشور همزمان درگیر نهادهای سیاسی-اداری هستند و نمی توان به روشنی مرزبندی میان آنها قائل شد.

از راهبردهای ذیل می توان به عنوان پیشنهاد جهت نیل به تراکم‌زداییاز تهران نام برد:

۱. راهبرد پرهیز حکومت و دولت مرکزی از تصدی‌گری امور مختلف و عملیاتی و برعکس گرایش معنی‌دار به سوی فعالیت‌های ستادی و عالی، شامل: خط‌مشی‌گذاری،

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-13]

سیاست‌گذاری، هدایت، نظارت و اجرای سیاست‌های عدم تمرکز در ساختار سیاسی کشور در سطوح بخشی و منطقه‌ای (کوچک‌سازی دولت)؛

۲. راهبرد ساماندهی پایتخت (نه انتقال یا تفکیک پایتخت) در پرتوی قوانین موجود در نظام حقوقی کشور؛

۳. راهبرد فرهنگ‌سازی در مقامات حاکم بر تقویت روحیه تمرکززدایی در آن‌ها به منظور ارتقای جایگاه شوراهای محلی توام با اعطای صلاحیت‌های اجرایی، تصمیم‌گیرانه و مالی؛

۴. راهبرد تعدیل ساختار فضایی و ارتباطی کشور و توسعه الگوهای شبکه‌ای متوازن در فضای ملی به جای الگوهای شعاعی و کانونی‌گرا، از طریق آمایش سرزمین؛

۵. راهبرد الزام قانونی عدم تزریق منابع غیرذاتی جدید و نیز ممنوعیت ایجاد فعالیت‌های غیرذاتی جدید در منظومه کلانشهری تهران؛

۶. راهبرد انتقال فعالیت‌های غیرضرور و نامرتبط به نقش ذاتی و سیاسی پایتخت، به سایر فضاهای جغرافیایی کشور (نظیر انتقال تعدادی از دانشگاه‌ها، مراکز نظامی، بازار و تجارت، صنعت، حمل و نقل، فعالیت‌های مالی و بانکی، فعالیت‌های فرهنگی و تحقیقاتی و غیره)؛

۷. راهبرد محدود کردن تسهیلات بانکی و غیر بانکی در تهران و گسترش آن در قطب‌های توسعه و اعمال تخفیف‌های مالیاتی به صنایع و فعالیت‌های اقتصادی در قطب‌های توسعه علی‌الخصوص استان‌های همجوار تهران؛

۸. اعمال سیاست‌های مالی و پولی انقباضی در تهران؛

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-13]

فهرست منابع

کتاب‌ها

احمدی‌پور، زهرا و علی ولی قلی‌زاده (۱۳۹۰)؛ مبانی جغرافیایی- سیاسی مکان‌گزینی پایتخت‌ها در ایران، مشهد: پاپلی.

امبرسز، نیکلاس و چارلز ملویل (۱۳۷۹)؛ تاریخ زمین لرزه‌های ایران، ترجمه ابوالحسن رده، چاپ سوم، تهران: آگاه.

پروین، خیرالله و فیروز اصلانی (۱۳۹۱)؛ اصول و مبانی حقوق اساسی، تهران: دانشگاه تهران.

حافظنیا، محمدرضا (۱۳۹۵)؛ جغرافیای سیاسی ایران، چاپ هشتم، تهران: سمت.

راسخ، محمد (۱۳۹۳). نوبت نسل سوم حقوقی، حق و مصلحت (مقالاتی در فلسفه حقوق، فلسفه حق و فلسفه ارزش)، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: نی.

رهنمایی، محمد تقی و پروانه شاه‌حسینی (۱۳۹۱)؛ فرایند برنامه‌ریزی شهری در ایران، چاپ نهم، تهران: سمت.

عکاشه، بهرام (۱۳۸۵)؛ پدیده زمین‌لرزه در گستره تهران، تهران: سازمان حوادث غیر مترقبه.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸)؛ گامی به سوی عدالت، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

میرحیدر، دره (۱۳۸۱)؛ مبانی جغرافیای سیاسی، چاپ چهارم، تهران: سمت.

ویژه، محمدرضا (۱۳۹۳)؛ کلیات حقوق اساسی، تهران: سمت.

ویسی، هادی(۱۳۹۲)؛ درآمدی بر دولت محلی، تهران: سمت.

مقالات

اجاقلو، مصطفی و رحیم اجاقلو (۱۳۹۳)؛ «ساماندهی مدیریت فضایی پایتخت ایران با ایجاد شهر و شهروند الکترونیک (با تبیین تجارب کشورها و الگوی مالزی)»، مجموعه مقالات همایش تمرکززدایی و ساماندهی پایتخت، دانشگاه تربیت مدرس، اسفندماه.

اجلالی، پرویز (۱۳۸۵). «تراکم‌زدایی، تمرکززدایی و نظام بودجه‌نویسی متمرکز در ایران(۱)»، سلسله مباحث اقتصادی و مدیریتی، نشست سی و دوم، موسسه آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.

احمدی، سیروس، محسن رضایی، و فاطمه سادات‌امینی (۱۳۹۳)؛ «ساماندهی کلانشهرها با استفاده از امکانات فضای مجازی، مطالعه موردی: تهران»، مجموعه مقالات همایش تمرکززدایی و ساماندهی پایتخت، دانشگاه تربیت مدرس، اسفندماه.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-13]

امام‌جمعه‌زاده، سید جواد، امیرمحسن‌زادگان و حسن حسینی‌امینی (۱۳۹۳)؛ «تحلیلی بر امکان‌سنجی طرح انتقال پایتخت»، مجموعه مقالات همایش تمرکززدایی و ساماندهی پایتخت، دانشگاه تربیت مدرس، اسفندماه.

ایمانی، بهرام، و زهرا محمدی (۱۳۹۳)؛«ارزیابی جامع جابجایی پایتخت با تاکید بر تجربه‌های جهانی»، مجموعه مقالات همایش تمرکززدایی و ساماندهی پایتخت، دانشگاه تربیت مدرس، اسفندماه.

پاپلی یزدی، محمد حسین (۱۳۹۳)؛ «نتایج همایشهای ساماندهی و تمرکززدایی پایتخت از دیدگاه دبیر علمی همایش»، مجموعه مقالات همایش تمرکززدایی و ساماندهی پایتخت، دانشگاه تربیت مدرس، اسفندماه.

داوودی، سیدمجید(۱۳۸۹)؛ «امکان‌سنجی جابجایی و انتقال مراکز سیاسی، اداری و اقتصادی پایتخت به خارج از تهران، بررسی مقدماتی ابعاد موضوع»، دفتر مطالعات سیاسی، شماره مسلسل ۱۰۳۴۶، مردادماه.

دل‌آرام، ژیلا و جبار قادری (۱۳۹۳)؛«تبیین رابطه انتقال پایتخت با ضریب کاهش جمعیت از منظر آمایش سرزمین»، مجموعه مقالات همایش تمرکززدایی و ساماندهی پایتخت، دانشگاه تربیت مدرس، اسفندماه.

دلالت، مراد، حسین خالدی (۱۳۹۳)؛ «بررسی نقش تهران در همگرایی ملی از دیدگاه جغرافیای سیاسی»، مجموعه مقالات همایش تمرکززدایی و ساماندهی پایتخت، دانشگاه تربیت مدرس، اسفندماه.

رنانی، محسن (۱۳۷۲)؛ «نقش دولت در اصلاحات نهادی از طریق قانون‌گذاری»، فصلنامه مجلس و پژوهش، سال دهم، ش ۳۹، صفحات ۳۰-۱۳.

زیاری،کرامت‌الله، باقر فتوحی مهربانی و حسین فرهادی‌خواه (۱۳۹۴)؛ «ساماندهی و الگوی تمرکززدایی از تهران با تاکید بر نقش پایتختی»، مجموعه مقالات همایش ساماندهی سیاسی فضا و اداره بهینه شهر تهران، دانشگاه تربیت مدرس، اسفندماه.

زیاری،کرامت‌الله، باقر فتوحی مهربانی، و حسین فرهادی‌خواه (۱۳۹۵)؛ «بررسی راهکارهای ساماندهی و تمرکززدایی از تهران و طراحی الگوی بهینه»، فصلنامه آمایش سرزمین، دوره ۸، ش ۱، صفحات ۳۴-۱.

ساداتی مینایی، سیدضیا، رمضان نعمتی کشتلی (۱۳۹۳)؛ «تحلیل مساله انتقال پایتخت ایران با استفاده از مدل‌های چند معیاره»، فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، دوره ۲، ش ۶، صفحات۱۲۵ -۱۰۳.

سرور، رحیم (۱۳۸۸)؛ «مهاجرت از تهران، رویکردی جدید در تمرکززدایی از پایتخت»، فصلنامه جغرافیا، دوره ۶، ش ۱۸ و ۱۹،صفحات ۹۸-۷۹.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-13]

سلطانی، محسن، جان‌پرور، محسن،حجی‌پناه، نرگس و مرتضی فیروزی (۱۳۹۳)؛ «بررسی مساله انتقال یا ساماندهی پایتخت کشور»، مجموعه مقالات همایش تمرکززدایی و ساماندهی پایتخت، دانشگاه تربیت مدرس، اسفندماه.

صفوی، سیدیحیی(رحیم).محمد حسین پاپلی یزدی(۱۳۹۵). «ساماندهی تهران:چند نکته»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، دوره ۳۱، ش ۳، صفحات ۳۱-۱۶.

طهرانی، مریم (۱۳۹۲)، اظهارنظر کارشناسی درباره «طرح انتقال پایتخت»، تهران: دفتر مطالعات برنامه و بودجه (گروه مدیریت و تشکیلات)، مطالعات سیاسی، مطالعات حقوقی، مطالعات زیربنایی، مطالعات فرهنگی، شماره مسلسل ۱۳۰۷۰.

قالیباف، محمدباقر، بختیار عزت‌پناه و سید موسی پورموسی(۱۳۸۹)؛ «تمرکزگرایی فضایی و اثرات آن بر گسترش فیزیکی و ساختار فضایی شهر (مطالعه موردی: سنندج)»، فصلنامه فضای جغرافیایی،دوره ۹،ش ۳۲، صفحات ۱۸۰-۱۵۱.

محمدی، حمیدرضا، حسین خالدی (۱۳۹۳)؛ «بررسی نقش انتقال پایتخت ایران در ایجاد و تشدید رقابت‌های مکانی-قومی»، مجموعه مقالات همایش تمرکززدایی و ساماندهی پایتخت، دانشگاه تربیت مدرس، اسفندماه.

معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور و معاونت حقوقی امور مجلس و استان‌ها (۱۳۸۹)؛ راهنمای اجرای مصوبه انتقال از تهران.

میرزایی‌تبار، میثم، ابوالفضل کاوندی‌کاتب (۱۳۹۳)؛ «نقد دیدگاه تقسیم پایتخت ایران به دو پایتخت اداری- سیاسی و اقتصادی-تجاری»، مجموعه مقالات همایش تمرکززدایی و ساماندهی پایتخت، دانشگاه تربیت مدرس، اسفندماه.

وزارت راه و شهرسازی(۱۳۹۴)؛ تهران و مساله پایتختی.

وزارت مسکن و شهرسازی (۱۳۸۴)؛ چشم‌انداز تمرکززدایی از تهران، نهاد مطالعه و تهیه طرح‌های توسعه شهری، مطالعات فرادست طرح جامع تهران.

رساله‌ها

مرکز مالمیری، احمد (۱۳۹۰)؛ تورم تقنینی در نظام حقوقی ایران در پرتو اصول قانون‌گذاری، رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-13]

وب سایت‌ها

مصاحبه با ابوالفضل رضوی (معاون توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست جمهوری)، خبرگزاری ایلنا، کد خبر ۵/۳۰۱۰۰۸، ۱۳۹۴/۶/۸.

منابع انگلیسی

Badash D c,(1990). cours de droit constitutionnel et la science politique.publiee par la faculte de droit de caen,1990.

Dascher, K, (2000). Are Politics and Geography Related? Evidence from a Cross-Section of Capitalcities, Public Choice.

Rawat, R, (2005). Global – Local Perspectives in the Search for an Alternative Modernity,new york university.department of geography.
http://prayaga.org/documents/paper-capitalcity.pdf

taylor,peter,j,(1989). politicalGeography:world economy,nation-state and locality,newyork: longman scintfic & technical,U.K.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-13]